الگویی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی در ایران

تاریخ دریافت: ۸۲/۸/۲۸ تاریخ تأیید: ۸۲/۱۲/۱۹

سید حسین میرجلیلی[۱]

چکیده:

تشکیلات کنونی بانک‌ها تداوم نظام بانکی قبلی است و پس از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، تغییری در سازماندهی بانک‌ها ایجاد نشده است. تغییراتی که قبل از تصویب قانون، در سازماندهی بانک‌ها ایجاد شده محدود به ملی شدن و ادغام بوده است. در حالی‌که روح حاکم بر عملیات بانکی بدون بهره با نظام بانکی مبتنی بر بهره تفاوت دارد. نبود سازماندهی مناسب در نظام بانکی کشور باعث شده تا بانکداری کشور بدون ربا نباشد و کارایی لازم را نداشته باشد. سهم اندک سرمایه گذاری مستقیم بانک‌ها، بازگشت به سود تضمین شده، ناسازگاری واسطه‌گری با عاملیت، دور شدن از ماهیت عقود و انتخاب بد و خطر اخلاقی، مهمترین پیامدهای ناشی از عدم تغییر سازماندهی بانکی در ایران است. هدف این پژوهش ارائهٔ الگویی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی ـ منطبق با نظام مالی بدون بهره ـ در ایران است. در الگوی پیشنهادی، برای حفظ ماهیت واسطه‌گری مالی بانک ، در نظر گرفتن شخصیت دو گانه حقوقی و وجود دو بخش پولی و سرمایه ای در عملیات بانکی متداول، بانک‌ها تنها وظیفه واسطه‌گری مالی را انجام می دهند و وظیفهٔ سرمایه گذاری و عاملیت را به مؤسسات متناسب واگذار خواهد کرد. بدین ترتیب، سه تغییر در نظام بانکی فعلی صورت می‌گیرد. اول: محدود شدن وظایف بانک‌ها به افتتاح حساب جاری و پس انداز قرض الحسنه و انجام خدمات بانکی. دوم: عدم پذیرش سپرده‌های سرمایه گذاری مدت دار و واگذاری تدریجی آن به مؤسسات مربوطه. سوم: تبدیل بانک‌های تخصصی به بانک سرمایه گذاری. در این الگو، بهره از نظام بانکی حذف شده و با "کوچک" "وتخصصی شدن" نهادهای مالی، عدم تقارن اطلاعات کاملاً کاهش می‌یابد و به دلیل عاملیت شرکت‌های سرمایه گذاری، سرمایه گذاری مستقیم افزایش پیدا می‌کند و توسعه اقتصادی کشور شتاب می‌گیرد.

واژگان کلیدی: نظام بانکی، واسطه‌گری مالی، بخش پولی، بخش سرمایه

۱ـ استادیار پژوهشکده اقتصاد ـ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

www.noormags.ir

۱_ مقدمه

پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون بهره در شهریور سال ۱۳۶۲، لازم بود متناسب با قانون جدید و آیین نامه ها و دستورالعمل‌های نوینی که برای عملیات بانکداری بدون ربا در ایران تدوین شده است، تشکیلات و سازماندهی مناسب آن طراحی شود. اما تمامی تغییرات مربوط به سازماندهی بانک‌ها پیش از تصویب قانون (در سال ۱۳۵۸) بوده است و پس از تصویب و اجرای قانون هیچ‌گونه تغییری در سازماندهی بانک‌ها ایجاد نشده است. حتی تغییراتی که پیش از تصویب قانون، در سازماندهی بانکها ایجاد شده است، مانند ملی شدن بانک‌ها و ادغام آنها (۱۳۵۸) تنها مالکیت بانک‌ها را به دولتی تغییر داده و در نحوه سازماندهی بانکها جز ادغام، تغییری حاصل نشده است.

بنابراین تشکیلات کنونی بانکها تداوم نظام بانکی قبلی به شمار می‌آید. از آن جا که ماهیت و روح حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون بهره، با نظام بانکی مبتنی بر بهره تفاوت دارد، سازماندهی نظام بانکی مبتنی بر بهره نمی‌تواند خاستگاه مناسب و کارآمدی برای اجرای قانون عملیات بانکی بدون بهره به شمار آید.

در این مقاله پس از ارائهٔ طرح تحقیق، سازماندهی بانکی کشور قبل و بعد از قانون عملیات بانکی بدون ربا با یکدیگر مقایسه شده و پیامدهای ناشی از عدم تغییر سازماندهی بانکی بر شمرده می‌شود. پس از آن الگوی پیشنهادی برای تحول در نظام بانکی ج. ا . ایران ارایهٔ می‌شود.

۲- طرح تحقیق

۲-۱- پرسش‌های اصلی تحقیق

۱- آیا سازماندهی نظام بانکی در ایران با قانون عملیات بانکی بدون ربا سازگار است؟

۲- آیا می توان الگویی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی در ایران مطابق با نظام مالی بدون ربا پیشنهاد کرد؟

۲-۲- فرضیه های پژوهش

۱- سازماندهی کنونی نظام بانکی در ایران با قانون عملیات بانکی بدون ربا ناسازگار است.

۲- با جداسازی فعالیت‌های مالی و ایجاد مؤسسات مالی متناسب، می‌توان سازماندهی مناسب ایجاد کرد.

www.noormags.ir

۲- ۳- ضرورت تحقیق

نظام بانکی کشور با مشکلات متعددی مواجه است. بخشی از این مشکلات ناشی از سازماندهی نامناسب است. در تحقیق میرجلیلی و همکاران (۱۳۷۴) به منظور ارزیابی بانکداری بدون بهره در ایران، نتایج تحقیقات میدانی که بر اساس پرسشنامه و مصاحبه انجام شده است، حاکی از آن است که:

از نظر مراجعه کنندگان مهمترین مشکلات برای دریافت اعتبار از بانک‌ها عبارتند از:

طولانی بودن مراحل دریافت اعتبار، بروکراسی و تعدد اسناد درخواستی بانک، دست و پاگیر بودن قوانین برای پرداخت اعتبار و زیاد بودن هزینه‌های غیر سودی. در خصوص چگونگی نظارت بانکها بر حُسن اجرای قرارداد، ۳۱ درصد مراجعه کنندگان اظهار داشته‌اند که بانک هیچ‌گونه نظارتی نداشته است، ۱۶ درصد مراجعه کنندگان نظارت را ناکافی دانسته‌اند و ۳۵ درصد مراجعه کنندگان از چگونگی نظارت بانکی اطلاع نداشته‌اند.

از نظر رؤسای شعبه‌ها، مهمترین مشکلات اجرای قانون عملیات بانکی بدون بهره عبارتند از: بروکراسی و دور از حقیقت بودن معاملات، مشکل بودن اجرای عملیات بانکی بدون بهره، عدم امکان نظارت و کمبود کارشناس، هدف قرار گرفتن سود از طرف بانک-ها، در نظر گرفتن موجودی مراجعه کننده به عنوان تنها معیار اعطای تسهیلات بانکی.

از نظر کارگزاران تسهیلات، مهمترین مشکلات اجرای قانون عملیات بانکی بدون بهره عبارتند از: عدم اطلاع دقیق کارکنان بانک‌ها از عملیات بانکی بدون بهره، عدم نظارت کارگزاران بانک بر نحوهٔ مصرف صحیح تسهیلات پرداختی، وجود قوانین دست و پاگیر اداری و تعدد عقود اسلامی.

حدود ۷۷ درصد کارگزاران شعبه‌های بانکی مدعی هستند، قانون عملیات بانکی بدون بهره و آئین نامه و دستورالعمل آن عملاً اجرا نمی‌شود یا به طور ناقص اجرا می-شود. (میرجلیلی، ۱۳۷۴، صص۱۳۹- ۱۲)

سایر مشکلات نظام بانکی کشور عبارتند از:

الف_ تصور عمومی مبنی بر ربوی بودن عملیات بانکی: تصور بسیاری از مردم این است که فعالیت بانکها به طور عمده ربوی است و تنها اسم و عنوان و قالب تغییر کرده است؛ ولی واقعیت کارها همان شیوهٔ عملکرد بانکهای ربوی را نشان می‌دهد. از جمله عوامل تشدید کننده این شکل عبارتند از:

www.noormags.ir

ـ از پیش تعیین کردن درصد سود سپرده‌های بانکی. عملکرد بسیاری از بانک‌ها که غالبا از گیرندگان تسهیلات در مواردی که پیشاپیش نمی‌تواند سود قطعی بر پروژه و کار آنان تعیین کرد، نرخ سود معینی را مطالبه می‌کنند.(مصباحی،۱۳۷۱، ص ۸۸).

صوری عمل کردن بسیاری از بانک‌ها: بسیاری از معاملات در بانک‌ها صوری هستند. به عنوان مثال با استفاده از عقد جعاله جهت تعمیر مسکن تسهیلاتی داده می‌شود و حال آن‌که بانک که عامل جعاله است، تنها به مراجعه کننده پول می‌دهد، بدون این‌که گیرنده پول، مسکن داشته باشد یا اگر دارد، نیازی به تعمیر ندارد یا اگر نیاز به تعمیر دارد، پول آن‌را برای مصرف دیگری به کار می‌برد. در مشارکت مالی و فروش اقساطی مسکن، معمولا قیمت گذاری بانک واقعی نیست. هدف، دریافت اصل مبلغ پرداخت شده همراه سود مورد نظر است و قیمت بر اساس آن تعیین می‌گردد. (موسویان، ۱۳۷۶ ،ص۲۱۲).

ب_ فقدان ساختار مناسب برای ورود به بخش واقعی اقتصاد: از آن‌جا که قانون بانکداری بدون ربا، عملاً در بخش واقعی اقتصاد وارد شده است، نیاز به ساختار مناسب این بخش دارد؛ یعنی اگر هدف واقعی، افزایش سود بانک از راه افزایش تولید باشد، همان‌طور که از اهداف عقود پیداست، این هدف نیازمند به تشکیلاتی است که در تهیه چنین طرح‌هایی مشارکت داشته باشد یا بتواند نسبت به ارزیابی آن اقدام کند و در هر حال در جریان کار نظارت مستمر داشته باشد؛ در حالی که چنین ساختاری در قانون پیش بینی نشده است و اصولا وظیفهٔ تعریف شده یک بانک موفق که بر اساس ضرورت‌های نظام پولی فعلی در دنیا شکل گرفته است، خارج از امر مذکور است. اگر بخواهیم وظیفه مهم سرمایه گذاری را نیز به مجموعهٔ وظایف قبلی اضافه کنیم، این تشکیلات ظرفیت آن را ندارد.

به بیان دیگر برای اجرای قانون بانکداری بدون ربا به ساختار دیگری نیاز است که بتواند در بازار حقیقی اقتصاد، فعال باشد، چرا که در این نظام، بانک از پدیده‌ای به طور کامل "برون‌زا"در مقایسه با اقتصاد حقیقی به نهادی "درون‌زا" و فعال تبدیل می‌شود، در نتیجه به سازمان و نیروی انسانی و حسابداری متناسب با آن نیاز دارد، در حالی‌که پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا کمترین تغییر ساختاری در نظام بانکی پدید نیامده است. (موسویان ،۱۳۸۱،ص ۷۹).

ج_ مشکل نظارت: در جریان بانکداری کشور ما نظارت و کنترل کافی جهت تحقق و سلامت جریان معاملات وجود ندارد و تعداد بازرسان بانک مرکزی محدود است.

www.noormags.ir

(مهدوی،۱۳۷۴، ص۷۱). در سال ۱۳۷۸ در مقابل ۱۴۰۰۰ شعبه بانکی تنها ۵۰ نفر بازرس بوده است. (موسایی،۱۳۷۹، ص۱۱۷).

د_ مشکل تعدد عقود: به دلیل تعدد انواع عقود، به ناچار مقررات متعددی نیز وضع شده است. در واقع برای هر یک از انواع تسهیلات اعتباری ضوابطی در مورد نحوهٔ بررسی، نحوهٔ اعطا، شرایط تسهیلات اعتباری نظیر مدت، مبلغ، سود و . . . تدوین شده است که مجموعه آنها، مقررات مربوط به آن نوع از تسهیلات اعتباری را تشکیل می دهد. در نتیجه مجموعهٔ ضوابط و مقررات ناظر بر ۱۴ نوع تسهیلات اعتباری، زیادتی و پیچیدگی خاصی به مقررات می دهد که اجرای آنها را با مشکل مواجه می‌سازد و هزینه عملکرد بانکها را افزایش می‌دهد. (موسایی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴)

۲-۴- هدف پژوهش

هدف تحقیق، ارائهٔ الگویی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی _ منطبق با نظام مالی بدون بهره _ در ایران است.

۲-۵- پیشینهٔ تحقیق

در این زمینه تاکنون ۳ الگو پیشنهاد شده است: الگوی انور، الگوی دارو پرسلی و الگوی موسویان. در این‌جا به معرفی هر یک می‌پردازیم.

۲-۵-۱- الگوی انور

الگوی پیشنهادی دکتر محمد انور، استفاده از نظام بانکداری دو گانه (اجتماعی _ خصوصی) است. بدین منظور معیار تقسیم نهادهای مالی، ماهیت سپرده‌هاست. در واقع واحدهای اقتصادی، وجوه مازاد خود را یا برای استفاده در معاملات و یا برای بدست آوردن سود از آن، سپرده گذاری می‌کنند. سپرده گذاران با مراجعه به بانک‌ها دو نیاز مستقل خود را برآورده می‌کنند. اما بانکها از وظیفه وساطت خود در نقدینگی پا را فراتر نهاده و سودی را از دست یازیدن به استفاده از منافع "حق نشر" بدست می‌آورند.

در طرح بانکداری دو گانهٔ محمد انور، عملیات خلق پول و استفاده از حق نشر تنها به بانک‌های اجتماعی اختصاص می یابد. بانک‌های اجتماعی می‌توانند توسط گروههایی که در مناطق مختلف کشور حضور دارند، تأسیس شوند، ولی باید زیر نظر بانک مرکزی کشور باشند. بانکهای اجتماعی تمامی سپرده‌های دیداری را می‌پذیرند و همچنین وام بدون بهره را گسترش می‌دهند تا در نتیجهٔ این اقدام پروژه‌های رفاهی هر منطقه کشور تأمین مالی شود. بانکهای اجتماعی در پروژه‌های رفاهی منطقه‌ای مشارکت نموده و پروژه‌های ضروری مربوط به خدمات درمانی، خانه سازی و آموزش را تأمین مالی می-

www.noormags.ir

کنند. زیر ساختهای مناطق مختلف کشور را توسعه می‌دهند و برای بیکاران، شغل ایجاد می‌کنند. بانک‌های اجتماعی که در یک منطقه کشور فعالیت می‌کنند و دارای مازاد می‌شوند، می توانند با بانک‌های دچار کسری در مناطق دیگر همکاری نمایند. البته بعد از آن‌که ذخیرهٔ قانونی خود را نزد بانک مرکزی سپرده باشند.

بنابراین سازماندهی بانک‌های اجتماعی برای وساطت در نقدینگی، نه تنها حق نشر حاصل شده را به جامعه منتقل می‌کند، بلکه همچنین در راستای دستیابی به سایر اهداف اقتصادی ـ اجتماعی در اقتصاد سهیم خواهد بود.

در طرح بانکداری دو گانه، پس اندازها و سپرده‌های مدت دار تنها توسط بانک‌های خصوصی تجهیز می‌شود. بانکهای خصوصی باید بر اساس مکانیزم سهم بری در سود و زیان، سازماندهی شوند. پس اندازها و سپرده‌های مدت دار به منظور کسب سود تجهیز می‌شوند. سودی که به این قبیل سپرده ها و سپرده‌های مدت دار و پس اندازها تعلق می‌گیرد، در نتیجهٔ قبول ریسک در فعالیتهای کسب و کار است. بانک‌های خصوصی یا این سپرده‌ها را سرمایه گذاری می‌کنند و یا آن‌را در اختیار شرکتهای متقاضی قرار می دهند تا آنها اقدام به سرمایه گذاری نمایند. بانک‌های خصوصی می‌توانند به فعالیت‌های عادی خود ادامه دهند، ولی دیگر نمی‌توانند با خلق پول در حسابهای جاری سود ببرند. بنابراین بانک‌های خصوصی نباید اقدام به قبول سپرده‌های دیداری نمایند. مردم نباید از بانکهای خصوصی انتظار دریافت قرض الحسنه داشته باشند. بانک‌های خصوصی یاد شده دارای وضعیت قانونی مشابه سایر شرکتهای خصوصی هستند. بدین ترتیب پس انداز، از نزدیک با سرمایه گذاری گره می‌خورد و بانکهای خصوصی اساساً بانک‌های بازرگانی می‌شوند که با رعایت ممنوعیت بهره، فعالیت تجاری دارند.

بنابراین در حالت برقراری نظام بانکداری دو گانه، بانکهای خصوصی وظایف رایج بانکها به عنوان واسطه‌های مالی را به طور کارا انجام می‌دهند. اگر چه قدرت آنها در خلق پول به بانک‌های اجتماعی منتقل می‌شود. سازماندهی مجدد نظام مالی آن‌گونه که در این طرح توصیف شده است، باعث انتقال حق النشر از بخش خصوصی به جامعه می‌شود و به تحقق سایر اهداف اقتصادی ـ اجتماعی مساعدت می‌نماید. (انور، ۱۹۸۷، صص ۲۹۹ – ۳۰۲)

۲-۵-۲- الگوی دار و پرسلی(۲۰۰۱)

علی‌رغم آن‌که سهم بری در سود و زیان (PLS) محور ادبیات نظری تأمین مالی و بانکداری بدون بهره است، ولی عملیات بانک‌های بدون بهره در جهان از این شیوه دور

www.noormags.ir

است. تقریباً تمامی بانک‌های اسلامی و شرکت‌های سرمایه گذاری، تأمین مالی پروژه‌ها را براساس شیوهٔ بیع مرابحه انجام می‌دهند و روش PLS در حاشیه است. طبق گزارش مؤسسه بین المللی بانک‌های اسلامی (International Association of Islamic Banks)، روش PLS کمتر از ۲۰ درصد سرمایه گذاری بانک‌های اسلامی در سراسر جهان را شامل می شود. دار و پرسلی که روح اصلی بانکداری بدون بهره را در حذف بهره و جایگزینی روش PLS می‌دانند معتقدند که روش PLS ساختار سازمانی خود را می‌طلبد. به همین جهت اقدام به پیشنهاد الگوی سازمانی خاص روش PLS نموده‌اند.

پیشنهاد دار و پرسلی برای ساختار سازمانی بانکهای اسلامی این است که بانک‌های اسلامی به عنوان شرکت‌های خصوصی با مسؤولیت محدود (private limited companies) یا به عنوان سازمانهای تعاونی (mutual organizations) فعالیت کنند. در صورتی که بانکها به عنوان شرکت‌های خصوصی با مسؤولیت محدود فعالیت نمایند، صاحبان آنها، سهام داران مردمی نخواهند بود، بلکه نهادهای بزرگ و کار آفرینان، سرمایه اولیه را فراهم می‌کنند. از سوی دیگر بانک‌های اسلامی که شکل سازمان تعاونی را انتخاب می‌کنند. سپرده گذاران از برخی حقوق مالکیت بهره‌مند خواهند شد.

اطمینان عمومی مردم به PLS، تنها در صورتی ایجاد می‌شود که مالکیت و مدیریت بانک‌های اسلامی نشان دهد که به اصل سهم بری در سود و زیان متعهد است. بانک-های اسلامی باید نقشی مشابه نقش سرمایه گذاران نهادی را ایفا کنند. پیشنهاد دار و پرسلی ایجاد ساختار سازمانی مبتنی بر سرمایه ریسکی است و بنابراین آنرا سازمان سرمایه ریسکی ((venture capital organization (VCO)) نامیده‌اند که در آن گروهی از بانک-های اسلامی اقدام به ایجاد صندوق سرمایه ریسکی (venture capital fund) جهت سرمایه گذاری می‌کنند. (Dar and Presley, pp.18-22)

۲-۵-۳- الگوی موسویان (۱۳۷۸ و ۱۳۸۲)

در ساختار پیشنهادی سید عباس موسویان در مقاله سال ۱۳۷۸ خود، دو نوع بانک به نام: بانک‌های عمومی و بانک‌های تخصصی وجود دارد که از جهت نوع فعالیت کاملاً متمایز از هم بوده و در طول هم هستند.

الف _ بانک‌های عمومی

فعالیت اصلی بانکهای عمومی در ساختار مطلوب عبارتند از: جذب سپرده‌های بانکی از طریق سپردهٔ قرض الحسنه جاری، سپردهٔ قرض الحسنه پس انداز و سپرده سرمایه گذاری مدت‌دار. ارائهٔ خدمات بانکی از قبیل اعطای قرض‌الحسنه برای خانوارهای

www.noormags.ir

نیازمند و سرمایه گذاری در بانک‌های تخصصی جهت تأمین جوایز قرض الحسنه. سرمایه گذاری در بانک‌های تخصصی، هیأت مدیره و مسؤولان شعبه‌های مرکزی و اصلی بانک‌های عمومی، منابع آزادشان را در بانک‌های تخصصی سرمایه گذاری می-کنند.

ب_ بانک‌های تخصصی

در ساختار پیشنهادی، به تعداد بخش های اقتصادی، بانک‌های تخصصی به وجود می آید و هر بانک تخصصی نیز متناسب با ظرفیت اقتصادی منطقه برای هریک از زیر بخش های اصلی شعبه‌های تخصصی‌تر خواهد داشت. فعالیت‌های اصلی بانک‌های تخصصی عبارتند از: ۱_ جذب سپرده‌های سرمایه گذاری از طریق بانک‌های عمومی و سرمایه گذاری افراد و مؤسسات. بنابراین منابع بانک‌های تخصصی از سه قسمت تشکیل می‌شود: سرمایه اولیه خود بانک، وجوه حاصل از سپرده گذاری بانک‌های عمومی در بانکهای تخصصی و وجوه حاصل از سپرده‌گذاری، مستقیم مردم و مؤسسات در بانک-های تخصصی. اعطای تسهیلات سرمایه گذاری. روشهای اعطای تسهیلات به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، روش‌هایی که در همهٔ بانک‌های تخصصی مورد استفاده قرار می‌گیرد و گروه دوم روش‌هایی که تنها برخی بانک‌های تخصصی از آنها استفاده می-کنند.

روش‌های مشترک اعطای تسهیلات عبارتند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، اجاره به شرط تملیک، سلف و قرض الحسنه.

روش‌های اختصاصی اعطای تسهیلات عبارتند از: فروش اقساطی، جعاله، مضاربه، مزارعه و مساقات. نتایج ساختار پیشنهادی موسویان (۱۳۷۸) این است که اولاً، انواع عملیات بانکی میان بانکهای عمومی و تخصصی تقسیم می‌شود. ثانیاً، هر یک از بانک‌ها تنها با تعداد معینی از عقود بانکی (حداکثر چهار عقد) اقدام به اعطای تسهیلات می-کنند. ثالثاً، پرداخت تسهیلات سرمایه‌ای به سه گروه تقسیم شده و هر گروه توسط کارشناس مربوطه هدایت می شود و در نتیجه عملیات بانکی از پیچیدگی بیرون آمده و روان و شفاف خواهد بود. رابعاً، در این ساختار، معاملات به صورت حقیقی انجام می-شود. زیرا حوزه، فعالیت بانک‌های تخصصی و عمومی کاملاً مشخص و محدود می‌گردد. در نتیجه معاملات بانکی همگون و در زمینهٔ تخصصی کارشناسان بانک خواهد بود و این باعث می‌شود، بانک با توان کافی قراردادها را نظارت و کنترل نماید. بنابراین معاملات صوری کنار گذاشته می‌شود. خامساً، کارایی بانک‌ها افزایش می‌یابد، زیرا

www.noormags.ir

قابلیت نظارت و کنترل دقیق قراردادهای منعقده باعث می شود کارایی و سود دهی بانک‌های تخصصی تا حد سود دهی سرمایه در هر یک از بخش های اقتصادی و سود دهی بانکهای عمومی تا حد سود دهی سرمایه در کل اقتصاد افزایش یابد. (موسویان، ۱۳۷۸، صص ۲۳۵ _ ۲۱۵)

موسویان در مقالهٔ سال ۱۳۸۲ خود روایت کامل‌تری از الگوی پیشنهادی خود را مطرح ساخته است. از نظر وی، انواع عقود ماهیت‌های کاملاً متفاوتی دارند و در یک قالب جای نمی‌گیرند. جمع کردن این معاملات متنوع با احکام وضوابط مختلف در قالب یک سازمان مالی به نام بانک موجب پیچیده و مبهم شدن عملیات، صوری شدن قراردادها، بالا رفتن هزینه‌های نظارت و کنترل و در نهایت غیر کارا شدن نظام بانکی می‌شود.

برای حل ریشه ای این مشکل، با توجه به اهداف و مسؤولیت‌های نظام بانکی و با توجه به اهداف، انگیزه‌ها و روحیات مشتریان بانک (سپرده‌گذاری و متقاضیان تسهیلات) و با توجه به احکام فقهی معاملات و طبقه بندی خاص آنها، وی چهار نوع بانک بدون ربا پیشنهاد کرده است که با تغییر مختصری در قانون بانکداری فعلی، قابل اجرا باشند. ساختار پیشنهادی بانک‌ها به این قرار است:

۱- بانک‌های قرض الحسنه: در بخش تجهیز منابع دو نوع حساب سپرده (جاری و پس انداز) قرض الحسنه دارند و در بخش تخصیص منابع، وام بدون بهره می‌دهند.

۲- بانک‌های مبادله ای (با سود ثابت): تجهیز منابع از طریق سپرده جاری (قرض بدون بهره)، سپرده پس انداز (وکالت، سود ثابت)، سپرده سرمایه گذاری (وکالت، سود ثابت) و تخصیص منابع از طریق فروش اقساطی، فروش سلف، فروش دین، اجاره به شرط تملیک و جعاله است.

۳- بانک‌های مشارکتی (با سود متغیر): تجهیز منابع از طریق سپرده جاری (قرض بدون بهره)، سپرده پس انداز مشارکتی (وکالت، با سود متغیر)، سپرده سرمایه گذاری مشارکتی (وکالت، با سود متغیر) و تخصیص منابع از طریق سرمایه گذاری مستقیم، مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی، سلف ، مضاربه و اجاره به شرط تملیک است.

۴- بانک‌های جامع: شامل کلیه عملیات بانک‌های قرض الحسنه، مبادله‌ای و مشارکتی در بخش تجهیز و تخصیص منابع خواهند بود و برای بانک‌های بسیار بزرگ دولتی تناسب دارد. (موسویان، ۱۳۸۲، صص ۷۸ – ۴۹)

۲-۵-۴- نقد سه الگو

www.noormags.ir

الگوی انور، تنها معیار خلق پول را برای اصلاح ساختار سازمانی بانک‌های اسلامی در نظر گرفته و برای فعالیت‌های سرمایه گذاری بانک‌ها که عاملیت بانک را می‌طلبد، تدبیری نیاندیشیده است. الگوی دار و پرسلی تنها فعالیت بانک‌های اسلامی در زمینهٔ تأمین مالی PLS، را مورد توجه قرار داده است و برای آن سازمان مناسب پیشنهاد کرده است، در حالی‌که بُعد واسطه‌گری مالی بانک‌ها مغفول مانده است.

در الگوی موسویان دغدغهٔ اصلی، یافتن راه حل برای معالجهٔ کارکرد صوری بانک‌ها و دور شدن از عملیات بانکی مبتنی بر بهره است. در این زمینه منشاء مشکل در نحوه کاربرد عقود مشارکتی ـ غیر مشارکتی دانسته شده است و با جداکردن بانک‌ها برحسب عقود، سعی در حل مشکل دارد. اما همچنان به بانک‌ها به عنوان سازمان مناسب برای عقود مشارکتی پایبند است و از این جهت نمی‌تواند مشکلات ناشی از ناکارامدی و دور شدن از ماهیت بانکداری بدون بهره را حل کند.

۳- سازماندهی بانکی قبل و بعد از قانون عملیات بانکی بدون بهره

مقارن پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از تغییر نظام بانکی، بانک‌ها از جهت مالکیت سرمایه، به‌طور کلی به چهار دستهٔ زیر قابل تقسیم بودند: بانک‌های دولتی. بانک‌های خصوصی با سرمایه ایرانی. بانک‌های خصوصی مختلط. بانک مرکزی.

بانک‌های دولتی به آن دسته از بانک‌ها گفته می‌شد که سرمایه آنها را دولت بصورت شرکت سهامی تأمین می‌کرد. سهام این نوع بانکها متعلق به دولت بود و نمایندگان دولت به‌عنوان صاحبان سهام در مجامع عمومی عادی و فوق‌العادهٔ آن شرکت می‌کردند. به‌طور کلی ادارهٔ این نوع بانک‌ها توسط دولت صورت می‌گرفت و هیأت مدیره و ارکان دیگر آنها از طرف دولت عزل و نصب می‌شدند.

بانک‌های خصوصی با سرمایه ایرانی، آن تعداد از مؤسسات مالی بودند که با سرمایه بخش خصوصی تشکیل شده و عملیات بانکی بخشی از فعالیت آنها را تشکیل می‌داد.

بانک‌های خصوصی مختلط بانک‌هایی بودند که سرمایه مشترک ایرانی و خارجی داشتند، ولی اکثریت سهام آنها متعلق به اتباع ایرانی بود.

فعالیت عمدهٔ این بانک‌ها به استثنای بانک توسعه صنعتی‌ومعدنی در موارد زیر بود:

قبول سپرده ثابت‌وافتتاح حساب‌جاری،پرداخت اعتباربه‌اشخاص،تنزیل‌اوراق تجارتی.

شایان ذکر است که بانک‌های خصوصی مختلط باستثنای بانک توسعهٔ صنعتی و معدنی ایران ، بانک‌های بازرگانی بودند.

www.noormags.ir

در واقع قبل از انقلاب اسلامی در نظام بانکی کشور ۳۶ بانک وجود داشت که از این تعداد ۷ بانک فعالیت‌های تخصصی، ۲۶ بانک فعالیت‌های تجاری و ۳ بانک دیگر فعالیت‌های ناحیه ای را به‌عهده داشتند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تغییراتی در نظام بانکی ایجاد گردید که به ترتیب زیر است: به عنوان نخستین اقدام، باید به ملی کردن بانک‌ها و تغییر در مالکیت سرمایه آنها اشاره نمود. پس از انقلاب با خروج سرمایه بانک‌ها از کشور، دولت نوپای ج . ا . ایران برای جلوگیری از بی ثباتی اقتصادی و شیوع بی اعتمادی به نظام بانکی کشور ناچار شد به حمایت از بانک‌ها برخیزد و بانک‌ها را ملی اعلام نماید.

دومین گام با تصویب لایحهٔ اداره امور بانک‌ها برداشته شد. در این لایحه مقرر گردید کلیه بانک‌ها طبق دستورالعمل لایحه و به طور یکسان فعالیت نمایند. سومین مرحله، ادغام بانکها در یکدیگر و حذف فعالیتهای موازی در شبکه بانکی بود. در این مرحله کلیه بانکها در ۶ بانک تجاری و ۳ بانک تخصصی ادغام شدند. (میرجلیلی، ۱۳۷۲، صص ۸۳ – ۷۲). تمامی بانک‌های موجود براساس قانون ملی شدن بانک‌ها، در اختیار دولت قرار گرفتند. بنابراین تغییرات سازمانی نظام بانکی محدود به تغییر مالکیت و کاستن از تعداد بانک‌ها بوده است و متناسب با قانون جدید بانکی تغییری در سازماندهی نظام بانکی صورت نگرفته است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۴- پیامدهای ناشی از عدم تغییر سازماندهی بانکی

عدم تغییر سازماندهی بانکی متناسب با قانون عملیات بانکی بدون ربا، موجب بروز ناسازگاری میان قانون و عملکرد نظام بانکی شده است. مهمترین پیامدهای ناشی از عدم تغییر سازماندهی بانکی در ایران عبارتند از:

۴-۱- سهم اندک سرمایه گذاری مستقیم بانک‌ها

مطابق ماده (۱) دستورالعمل اجرایی، بنابه تعریف سرمایه گذاری مستقیم عبارت است از تأمین تمام سرمایه لازم برای اجرای طرح‌های تولیدی و طرحهای عمرانی انتفاعی توسط بانکها بدون مشارکت اشخاص حقیقی و یا حقوقی غیر بانکی است. (خاوری، ۱۳۶۹، ص ۱۵۸)

سهم ماندهٔ تسهیلات سرمایه گذاری مستقیم کل بانکها به بخش غیر دولتی طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ از ۰/۶ درصد در سال ۱۳۶۳ با افزایش و کاهش طی این مدت به ۱/۲ درصد در سال ۱۳۷۹ رسید. در بانک‌های تجاری نیز بالاترین سهم معادل ۲/۹

www.noormags.ir

درصد در سال ۱۳۷۵ و در بانک‌های تخصصی که علی القاعده سرمایه گذاری مستقیم می‌تواند نقش زیادی ایفا کند، بالاترین سهم معادل ۷/۴ درصد در سال ۱۳۶۴ بوده است و سپس روندی کاهشی طی می‌کند تا به ۰/۵ درصد در سال ۱۳۷۹ می‌رسد.

بنابراین، سهم تسهیلات سرمایه گذاری مستقیم بانک‌ها، اندک می‌باشد. دلیل پایین بودن سهم سرمایه گذاری مستقیم در کل تسهیلات بانک‌ها این است که سرمایه گذاری مستقیم عاملیت بانک را می‌طلبد، در حالی‌که بانک‌ها برای واسطه‌گری سازماندهی شده‌اند و به همین جهت نمی‌توانند عملیات سرمایه گذاری مستقیم را در مقیاس بالا انجام دهند. هنگامی که بانک‌ها به این مطلب پی بردند، اقدام به تشکیل شرکتهای سرمایه گذاری وابسته به بانک‌ها نمودند. اما سهم مانده تسهیلات سرمایه گذاری مستقیم کل بانکها طی دهه ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که این سهم هیچ‌گاه از ۲/۸ درصد تجاوز نکرده است و حتی با روند نزولی به ۱/۲ درصد در سال ۱۳۷۹ تنزل یافته است. (بانک مرکزی ج.ا.ایران. گزارش اقتصادی. ۱۳۶۳-۱۳۷۹)

۴-۲- بازگشت به سود تضمین شده

در سال ۱۳۵۸ برای سپرده‌های سرمایه گذاری سود تضمین شده برقرار گردید. بر این اساس برای سپرده‌های ثابت ۸/۵ درصد و برای سپرده‌های پس انداز معادل ۷ درصد سود تضمین شده در سال برقرار شد. بنابراین تجهیز منابع به روش تعیین حداقل سود تضمین شده صورت می‌گرفت. طی حدود دو سال اجرای سیاست یادشده، این شیوه مورد اعتراض صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه و دانشگاه، کارشناسان اقتصادی و دست اندرکاران امور بانکی قرار گرفت. زیرا معتقد بودند نرخ سود تضمین شده همان نرخ بهره است و تنها عنوان و نرخ تغییر کرده است و اعطای نرخ بازدهی ثابت به سپرده‌گذار و اخذ نرخ بازدهی ثابت از وام گیرنده تغییر نکرده است؛ به‌دنبال اعتراضات متعدد، در قانون بودجه سال ۱۳۶۰ دولت موظف گردید ظرف مدت ۶۰ماه بررسیهای لازم جهت تدوین پیش نویس قانون عملیات بانکی بدون ربا را انجام داده و لایحه مربوطه را به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. پیش نویس تهیه شده ابتدا در جلسات شورای پول و اعتبار بررسی شد و سپس در مجلس شورای اسلامی مطرح گردید. سرانجام در شهریور ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید و از ابتدای سال ۱۳۶۳ به مرحله اجرا در آمد. (میرجلیلی، ۱۳۷۲، صص ۸۶-۸۳)

پس از هفت سال اجرای بانکداری بدون بهره در نظام بانکی، برای غلبه بحران انگیزه سپرده‌گذاران بانکی، شورای پول و اعتبار در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۵ طی مصوبه‌ای

www.noormags.ir

پرداخت سود علی الحساب را به عنوان یکی از مصادیق بارز فعالیت‌های بانکی شناخت و به مثابه یک حکم عام در نظام بانکی ایران وجهه قانونی یافت. از آن تاریخ به بعد در ابتدای هر دوره، بانکها نرخ سود علی الحساب سپرده‌های سرمایه گذاری را اعلام نموده و ماهانه مبلغی به عنوان علی الحساب به سپرده‌های سرمایه گذاری پرداخت می‌کنند. نرخ سود علی الحساب با تضمین عملی، همان سود تضمین شده است و کارکرد بهره را دارد. (میرجلیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳). بازگشت نظام بانکی به سود تضمین شده پس از هفت سال اجرای قانون عملیات بانکی بدون بهره دلایل مختلفی دارد. از جمله دلایل این بازگشت، این است که پس از تصویب قانون، سازماندهی قبلی تغییر نکرده است. در واقع ساختار بانکی، عملیات بانکی بدون بهره را به روشهای قبل بازگرداند. در ساختار بانکداری بدون بهره، بانک باید سرمایه گذاری کند، در حالی که سازماندهی لازم برای عاملیت را ندارد، به طور اجبار به پرداخت سود تضمین شده روی خواهد آورد که کارکردی همانند بهره را دارد.

۴-۳- ناسازگاری واسطه‌گری با عاملّیت

ماهیت بانکداری در نظام مالی مرسوم و ادبیات موجود بانکداری، واسطه‌گری مالی (وجوه) است. از سوی دیگر ماهیت بانکداری بدون بهره در بخش تسهیلات سرمایه گذاری، عاملیت و ورود به بخش واقعی اقتصاد است. وظیفهٔ عاملیت را شرکت‌ها انجام می دهند و بانک‌ها بنابه تعریف (واسطه‌گری مالی) برای عاملیت ایجاد نشده‌اند. حال اگر از یک واسطهٔ مالی، وظیفه عاملیت را نیز بخواهیم، در این‌صورت ناسازگاری سازمانی میان وظایف دو گانه ایجاد می‌شود و از آنجا که برای واسطه‌گری طراحی شده است، موارد عاملیت را به‌گونه‌ای تغییر می‌دهد که با همان رویه‌های واسطه‌گری قابل انجام باشد. نمونه آن عقد جعاله است که با جعاله ثانویه توجیه شده است. یا عقود مشارکتی که شراکت و عاملیت بانک را می‌طلبد، اما بانک از سهم عقود مشارکتی کاسته و به عقود معاملات گرایش پیدا کرده است که با واسطه‌گری قابل انجام است. اما همان‌گونه که برخی محققان نیز متذکر شده‌اند هر چه سهم عقود مشارکتی، سرمایه گذاری مستقیم و قرض الحسنه بیشتر باشد، به حقیقت بانکداری اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم و بر عکس هر چه سهم آنها کمتر شود، به حقیقت بهره نزدیک‌تر می‌شویم.(موسویان،۱۳۸۱، ص ۷۰). بنابراین برای رفع این ناسازگاری در وظایف دوگانه (واسطه‌گری _ عاملیت) که بانکداری بدون بهره آن‌را می‌طلبد، لازم است سازماندهی مناسب با وظیفهٔ عاملیت در سرمایه گذاری ایجاد شود.

www.noormags.ir

۴-۴- دور شدن از ماهیت عقود

یکی از پیامدهای ناشی از عدم تغییر سازماندهی بانکی پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون بهره، دور شدن از ماهیت عقود بوده است. عقود اسلامی در عملیات بانکی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: عقود مشارکتی، عقود غیر مشارکتی (عقود معاملات) و تعهدات. بر این اساس در عقود مشارکتی با اخذ وثیقه و در عقود غیر مشارکتی با محاسبه سهم سود بانک از سرمایه بانک (نه از سود حاصله) و در تعهدات با جعاله ثانویه از ماهیت عقود دور شده‌ایم.

گرفتن وثیقه و تضمین در عقود مشارکتی: در عقود مشارکتی بانک با گیرنده تسهیلات سرمایه گذاری، شریک می‌شود. در فعالیت مشارکت، شریک از طرف دیگر وثیقه اخذ نمی‌کند. اما در بانکداری کشور در عقود مشارکتی از گیرنده تسهیلات همانند بانکداری مرسوم که مبتنی بر رابطه دائن و مدیون است، وثیقه اخذ می‌شود. این اقدام کارکرد عقود مشارکتی را از ماهیت مشارکت دور نموده و به رابطه دائن و مدیون نزدیک می‌کند. به بیان دیگر بانکها در پرداخت تسهیلاتی که زیر عنوان مضاربه و شرکت و غیره پرداخت می‌کنند، از طرف قرارداد، و ثیقه‌ها و تضمین‌های معتبر و کافی می‌گیرند و حال آن‌که بر طبق ماده ۵۵۶ قانون مدنی طرف قرارداد در مضاربه امین است. عقد شرکت نیز مبتنی بر امانت است و گرفتن وثیقه در قراردادهایی که بر پایه امانت استوار هستند، با اصول فقهی و حقوقی ناسازگار است. این وثیقه‌ها به گونه‌ای گرفته می‌شود که اصل سرمایه بانک و سود مورد نظر او را در قراردادهای مضاربه و شرکت پوشش دهد ... گرفتن وثیقه و تضمین اگر چه با هدف ها و نیازهای اساسی بانک هماهنگی دارد، ولی با روح قراردادهایی مانند مضاربه و شرکت منطبق نیست. (کاشانی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲)

محاسبه سهم سود از سرمایه: در عقود معاملات، بانک به عنوان واسطه مالی عمل می‌کند. مانند این‌که در عقد فروش اقساطی که بیش از ۶۰٪ اعطای تسهیلات بانکی کشور از طریق آن انجام می‌شود، پس از خرید اموال یا تجهیزات، به طور اقساط به متقاضی می‌فروشد. در این حالت بانک میزان بازپرداخت گیرنده تسهیلات را بر اساس سهم سرمایه و نرخ سود مورد انتظار بانک مشخص می‌کند، نه بر اساس قیمت بازاری کالا و سود حاصله.

جعاله ثانویه: متقاضی تسهیلات جعاله به‌عنوان جاعل به بانک مراجعه نموده و اعلام می‌کند اگر بانک تعمیر مسکن وی را انجام دهد، مبلغی پول به‌عنوان جعل به

www.noormags.ir

بانک می‌پردازد. بانک در این حالت نقش عامل را ایفا می‌کند. از آنجا که بانک ماهیت واسطه‌گری دارد و نمی‌تواند عاملیت داشته باشد، لذا قرارداد جعاله ثانویه با شرکت تعمیراتی امضا می‌کند. در این قرارداد دوم، بانک جاعل و شرکت تعمیراتی عامل است. در اغلب موارد بانکها به صاحب مسکن وکالت می‌دهند که خود عمل را انجام دهد. از سوی دیگر در صورت واگذاری وکالت به گیرنده تسهیلات نیز بانک تنها نقش یک واسطه را دارد و عملی در زمینه موضوع جعاله انجام نمی‌دهد.

۴-۵- انتخاب بد و خطر اخلاقی

با توجه به ماهیت واسطه‌گری سازمان بانکی، عدم تقارن اطلاعات میان گیرندهٔ تسهیلات و بانک و ضعف نظارت، منجر به بروز دو پدیده نامطلوب: انتخاب بد (پیش از انعقاد قرارداد اعطای تسهیلات سرمایه گذاری) و خطر اخلاقی (بعد از انعقاد قرارداد اعطای تسهیلات سرمایه گذاری) شده و در نتیجه، به ساختار مالی بانک‌ها آسیب رسیده است. مسأله خطر اخلاقی در نظام بانکی ایران در قراردادهای اعطای تسهیلات سرمایه گذاری به دو صورت پدیدار شده است:

اول: به شکل اقدام پنهان شده (به کارگیری تسهیلات دریافتی در فعالیت دیگر)؛

دوم: به شکل اطلاعات پنهان شده (پنهان کردن اطلاعات نهایی طرح یا کتمان در آمد یا سود واقعی) نظام بانکی در ایران برای اجتناب از مشکل عدم تقارن اطلاعات در عقود مشارکتی، به سمت عقود معاملاتی گرایش پیدا کرده است. (۶۸/۵ درصد کل تسهیلات اعطایی در سال ۱۳۷۹ عقود معاملات است.) دلیل کاهش سهم عقود مشارکتی این است که این عقود بانک را از واسطه‌گری دور می‌کند و مستلزم بررسی، نظارت و کنترل است و همچنین مستلزم عاملیت بانک و دارا بودن متخصص در رشته های گوناگون است. در حالی‌که ساختار سازمانی بانک‌ها بدین منظور طراحی نشده است. برای مقابله با خطر اخلاقی، از آنجا که بانک در اغلب موارد امکان بازرسی و نظارت نداشته است، به سمت عقود دارای سود قطعی که وثیقه اخذ می‌شود، کوتاه مدت است و عین مرهونه در رهن بانک قرار می‌گیرد، گرایش پیدا کرده است.

انتخاب بد، در بانکداری ایران به صورت مطالبات سر رسید گذشته و معوق بانک‌ها خود را نشان داده است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۹ مطالبات سر رسید گذشته و معوق بانک‌ها از بخش غیر دولتی به ۳۲۴۹/۸۴ میلیارد ریال رسیده است. همچنین خطر اخلاقی در بانکداری ایران به صورت عدم استفاده از تسهیلات دریافتی در مورد قرارداد اتفاق افتاده است. بررسی نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش‌های

www.noormags.ir

اقتصادی به قیمت بازار به مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی به بخش غیر دولتی، حاکی از آن است که به طور متوسط در بخش کشاورزی ۱۹/۳ درصد، بخش صنعت و معدن ۲۹ درصد و بخش ساختمان و مسکن ۴ درصد و بخش بازرگانی و خدمات ۳۰۰ درصد از تسهیلات اعطایی، سرمایه گذاری شده است. بنابراین همواره بخشی از تسهیلات اعطایی صرف سرمایه گذاری شده یا از بخشهای تولیدی به بخش بازرگانی و خدمات منتقل گردیده است.(میرجلیلی، ۱۳۸۲، صص ۱۵ ـ ۶).

۵- الگوی پیشنهادی

۵-۱- ماهیت بانکداری (واسطه‌گری)

بانک یک مؤسسه مالی واسطه‌ای است که میان دارندگان وجوه مازاد و متقاضیان وجوه، واسطه‌گری می‌کند. بوسون از محققان متعددی نقل می‌کند که بانک‌ها را صرفاً واسطه های مالی می‌دانند، نه بیشتر نه کمتر. ویژگی خاص بانک‌ها، ماهیت پولی بدهیهای آنها (سپرده دیداری) و مدیریت نظام پرداخت‌های اقتصاد است. برخی محققان عرضه خدمات معاملات (و مدیریت پرتفوی) را خصیصه بانکداری می‌دانند. برخی دیگر نیز نقش کانونی بانک‌ها را مدیریت نظام پرداختها می‌دانند.

آنچه میان صاحب‌نظران بانکداری اتفاق نظر وجود دارد، واسطه‌گری مالی بانک است. (بوسون، ۲۰۰۱، صص ۶ ـ ۳). در الگوی پیشنهادی برای نظام بانکی، بانک‌ها به ماهیت اصلی خود یعنی واسطه‌گری مالی باز می‌گردند و وظایف عاملیت به مؤسسات متناسب واگذار می‌شود.

۵-۲- ماهیت حقوقی بانکداری بدون بهره

سازمان بانکی دارای شخصیت حقوقی است. در اقتصاد معاصر بانک در جذب و تخصیص وجوه دارای شخصیت حقوقی واسطه‌گری در قرض ربوی است. البته از قراردادهای دیگری مانند: حوالهٔ وجوه، صدور ضمانت نامه و سایر خدمات مالی و بانکی نیز استفاده می کند، ولی وجهه اصلی بعد حقوقی بانک همین رابطه استقراضی است.

بانک طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا، دارای دو شخصیت حقوقی است. یک شخصیت حقوقی بانک، واسطه‌گری مالی در قرض الحسنه پس انداز و جاری و انجام خدمات بانکی طبق عقود اسلامی ضمانت، حواله، وکالت و قرض است و در ازای آن کارمزد دریافت می‌کند. شخصیت حقوقی دیگری که بانک بدون ربا، از آن برخوردار است، شخصیت شریک در سرمایه گذاری است. شخصیت دوم بانک بدون ربا، بانک را

www.noormags.ir

وارد عرصه بخش واقعی اقتصاد می‌کند و عملکرد شرکتی و عاملیت بانک را می‌طلبد و به همین جهت با ماهیت واسطه‌گری بانک، ناسازگار است. حال با توجه به این‌که قانون عملیات بانکی بدون بهره، برای بانک بدون ربا دو شخصیت حقوقی قائل شده است، قهراً این دو شخصیت، دو نوع مؤسسه مالی متناسب را می‌طلبد. مهمترین کار نظام بانکی بدون ربا، با توجه به شخصیت دوم آن یعنی شریک بودنش انجام می‌گیرد، زیرا جایگزینی مشارکت در سود بجای بهره، ممیزه اصلی بانکداری بدون رباست.

۵-۳- دو بخش اصلی عملیات بانکی

علاوه بر شخصیت حقوقی دو گانه، عملیات بانکی را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: بخش پولی و بخش سرمایه‌ای.

۵-۳-۱- عملیات بخش پولی

بخش پولی جهت پاسخگویی به نیازهای نقدینگی فعالیت می‌کند. دریافت‌ها، حواله های پولی و حتی تسویه حسابها در این بخش عمدة کوتاه مدت است. در حالی‌که در بخش سرمایه‌ای تسویه حسابها گاهی تا چند سال به تأخیر می‌افتد تا پروژه به نتیجه برسد و آنگاه تسویه حساب میان شرکاء صورت می‌گیرد. بخش پولی جهت ارضای کمبود نقدینگی و تأمین مالی مبادلات به‌وجود آمده و گسترش پیدا می‌کند. دو ویژگی منحصر به فرد در بخش پول باعث می‌شود که این بخش از بخش سرمایه‌ای کاملاً متمایز می‌گردد، یکی حق النشر (seigniorage) پول اعتباری است که نوعی حق سلطه برای ناشر به‌وجود آورده و برای او قدرت خرید می‌آفریند. این قدرت خرید جدید و اعتباری تأثیر مستقیمی بر بخش پولی دارد. دیگری خلق پول است که توسط بانک‌های تجاری انجام می‌شود. ایجاد حساب خاصی بنام حساب دیداری این توان بالقوه را برای بانک‌های تجاری ایجاد می‌کند که در عملیات وام دهی، پول خلق نمایند. بنابراین، وجود حق‌نشر و خلق‌پول باعث تمایز فعالیت‌های بخش پولی ازبخش سرمایه‌ای می‌شود.

با توجه به وظایفی که بخش پولی در نظام مالی به‌عهده دارد، دو نهاد اصلی در این بخش مورد نیاز است. اول، بانکها هستند که وظیفه ارائه خدمات بانکی و واسطه‌گری مالی در سطح داخلی و بین المللی را به‌عهده دارند. دوم، مؤسسات اعتباری غیر بانکی هستند. تفاوت میان دو نهاد اصلی بخش پولی در همین حساب جاری است که مؤسسات اعتباری غیر بانکی فاقد آن هستند.

۵-۳-۲- عملیات بخش سرمایه‌ای

در بخش سرمایه‌ای برای موارد دراز مدت تأمین منابع مالی صورت می‌گیرد. هر

www.noormags.ir

چند تعریف دقیقی برای دراز مدت وجود ندارد ولی در اغلب موارد تعهدات دراز مدت دوره زمانی بیش از یکسال و حتی در مواردی بیش از ۵ سال دارند. عامل سرمایه وقتی در فرایند سرمایه گذاری و تولید قرار می‌گیرد، با عنصر خطر پذیری در هم می‌آمیزد. اگر فعالیت بانکداری به گونه ای تجدید سازمان شود که سرمایه و خطر پذیری به بخش سرمایه‌ای واگذار شود، می‌توان بر نواقص نظام بانکی اعتباری فائق آمد. ابزار مالی مورد استفاده در بخش سرمایه‌ای عمدة اوراق بهاداری مانند: اوراق سهام یا اوراق مشارکت است. استفاده از اوراق بهادار جهت تجهیز منابع بیشتر بخاطر شریک شدن خریدار اوراق بهادار در سرمایه و سود مؤسسهٔ تولیدی است. در هر حال روش تجهیز منابع توسط اوراق بهادار از ویژگی‌های بارز بخش سرمایه‌ای است. البته در دنیا، بانک‌ها در بازار سرمایه نیز حضور دارند، ولی بیشتر تأمین مالی در بازار سرمایه توسط مؤسسات پایه اوراق بهادار است. بورس اوراق بهادار، بازار متشکل سرمایه و محل خرید و فروش اوراق بهادار منتشره در بخش سرمایه‌ای است. به همین جهت شناخته شده‌ترین نهاد بخش سرمایه‌ای به‌حساب می‌آید. شرکت‌های سرمایه گذاری نیز از نهادهای بخش سرمایه‌ای قلمداد می‌گردند در بخش سرمایه‌ای هنگامی تسویه حساب‌های مشارکت کنندگان امکان پذیر است که یک دورهٔ مالی طی شود و با ظهور عملکرد و درآمد و هزینه، سود و زیان هر یک مشخص گردد. پیش از پایان یک دوره مالی و پیش از آن‌که عملکرد ظاهر شود، تسویه حساب‌های سرمایه گذاری امکان عملی ندارد. البته این بدان معنا نیست که در صورت انصراف یکی از شرکاء، امکان تسویه حساب وی وجود ندارد، بلکه مقصود این است که تسویه کلیه حسابها و اعطای سود یا مشخص کردن زیان یک فعالیت سرمایه گذاری و تولیدی بدون طی شدن یک‌دوره مالی امکان عملی ندارد. خصوصاً که فرایند سرمایه گذاری ذاتاً یک فرایند زمان بر است. برخلاف فعالیت‌های بخش پولی که دوره مالی و ظهور عملکرد در آن مدخلیت ندارد. سرانجام آخرین ممیزهٔ دو بخش آن است که در عملیات بخش پولی، "واسطه‌گری" با "خود کفایی"(دریافت کارمزد) و در عملیات بخش سرمایه‌ای "عاملیت" با "سودآوری" همراه است.

بر اساس آنچه گفته شد، برای حفظ ماهیت واسطه‌گری بانکی و در نظر گرفتن شخصیت دو گانهٔ حقوقی و وجود دو بخش پولی و سرمایه‌ای در عملیات بانکی متداول، در الگوی پیشنهادی، بانک‌ها تنها وظیفه واسطه‌گری مالی را انجام می‌دهند و وظیفه سرمایه گذاری و عاملیت را به مؤسسات متناسب واگذار خواهند کرد. بدین ترتیب سه تغییر در نظام بانکی فعلی کشور صورت می‌گیرد: اول، محدود شدن وظایف بانک‌ها به

www.noormags.ir

افتتاح حساب جاری و پس انداز قرض الحسنه و انجام خدمات بانکی. دوم، عدم پذیرش سپرده‌های سرمایه گذاری مدت دار و واگذاری تدریجی آن به مؤسسات مربوطه. سوم، تبدیل بانک‌های تخصصی به بانک سرمایه گذاری. تفصیل ساختار پیشنهادی بر حسب روش‌های تأمین مالی سرمایه گذاری و نهادهای لازم به شرح زیر است.

۵-۴- روش های تأمین مالی بخش سرمایه‌ای

تأمین مالی سرمایه گذاری را می توان براساس حجم (مبلغ) آن به سه دسته تقسیم نمود:

تأمین مالی سرمایه گذاری در مبالغ کوچک. (Small scale)

تأمین مالی سرمایه گذاری در مبالغ متوسط. (Medium scale)

تأمین مالی سرمایه گذاری در مبالغ بالا. (Large scale)

سرمایه گذاری بزرگ را می‌توان به عهده بودجه عمرانی دولت و اتحادیه شرکت‌های سرمایه گذاری (بخش ۲-۳-۴-۵) گذاشت.

ساختار سازمانی بانک معاملات در اندونزی نیز، دارای دو مدیریت مربوط به بنگاه-های کوچک و متوسط با عناوین: مدیر مشاغل در مقیاس کوچک (Director of small scale Business) و مدیر مشاغل در مقیاس متوسط (Director of Medium scale Business) است. (دارو پرسلی، ۲۰۰۱، ص ۹) در الگوی پیشنهادی ما بخش سرمایه‌ای از بانک جدا شده و وظیفهٔ آن، به چند مؤسسه مالی غیر بانکی برای تأمین مالی سرمایه گذاری در مقیاس کوچک و متوسط واگذار می‌شود.کوچک و متوسط بودن مبلغ سرمایه گذاری از سوی بانک مرکزی تعیین می‌شود و به طور ادواری تعدیل می‌شود. بنابراین وظایف نظام بانکی به موارد زیر محدود می‌شود: افتتاح حساب جاری. افتتاح حساب قرض الحسنه. انجام خدمات بانکی.

حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت دار به مؤسسات تأمین مالی در مبالغ کوچک و متوسط منتقل می‌شود. مؤسسات تأمین مالی در مبالغ کوچک از طریق عقود مبادلات عمل می‌کنند و سازمان دهی سرمایه گذاری در مقیاس متوسط از طریق سرمایه گذاری مستقیم و عقود مشارکتی فعالیت می‌نماید.

۵-۴-۱- سازماندهی و تأمین مالی سرمایه گذاری در مقیاس کوچک

تأمین مالی سرمایه گذاری در مبالغ کوچک توسط مؤسسات تأمین مالی (Finance Institutions) صورت می‌گیرد. این مؤسسات به شکل سهامی خاص و تعاونی تشکیل شده و با وجوه صاحبان سهام، مؤسسه به تأمین مالی فعالیت‌های سرمایه گذاری در مقیاس

www.noormags.ir

کوچک می‌پردازد. این مؤسسات خصوصی هستند و به صورت واحدهای کوچک تخصصی و به تعداد زیاد می‌تواند به وجود آید. مؤسسات تأمین مالی از طریق روشهایی مانند: اجاره، اجاره به شرط تملیک، سلف، فروش اقساطی و سایر عقود معاملات عمل می‌کنند. البته تأمین مالی این گونه مؤسسات سقف معینی دارد و به رشته فعالیت‌های خاص تعلق می‌گیرد. مؤسسات تأمین مالی با سرمایه خصوصی و تعاونی و با مجوز بانک مرکزی می‌توانند مشغول فعالیت شوند و به تأمین مالی سرمایه گذاری‌های کوچک از طریق عقود مبادلات بپردازند.

انواع مؤسسات تأمین مالی: مؤسسات تأمین مالی بر حسب انواع عقود معاملات به وجود می‌آید. مهمترین مؤسسات تخصصی تأمین مالی عبارتند از : الف_ مؤسسات تأمین مالی اجاره (leasing) . ب_ مؤسسات تأمین مالی اجاره به شرط تملیک (تجهیزات و ساختمان). ج_ مؤسسات مرابحه (و فروش اقساطی). د_ مؤسسات تأمین مالی سلف. ه_ مؤسسات خرید بدهی.

۵-۵- سازماندهی و تأمین مالی سرمایه گذاری در مقیاس متوسط

تمامی نهادهای فعال در بخش سرمایه‌ای به گونه‌ای با انتشار اوراق بهادار و خرید و فروش آن سر و کار دارند. تجهیز منابع در بخش سرمایه‌ای از راه انتشار اوراق بهادار صورت می‌گیرد. به بیان دیگر بخش پایه اوراق بهادار (security base) است. تجهیز منابع توسط شرکت سرمایه گذاری با انتشار اوراق بهادار صورت می‌گیرد و شرکت مورد نظر وجوه جمع آوری شده را صرف سرمایه گذاری فیزیکی می‌نماید[1]. اوراق بهادار منتشر شده توسط شرکت سرمایه گذاری، از نوع اوراق بهادار قابل معامله در بازار است[2]. البته هنگامی که تأمین مالی از راه انتشار اوراق بهادار صورت می‌گیرد قاعدة با دو بازار مالی سر و کار داریم. بازار اولیه (primary Market) و بازار ثانویه (secondary Market). در بازار اولیه، اوراق بهادار ا ناشر آن به فروش می‌رساند. شرکتهای سرمایه گذاری، از راه فروش اوراق بهادار خود در بازار اولیه وجوه مورد نیاز خود را بدست می‌آورند. در بازار ثانویه، اوراق بهادار منتشر شده در گذشته، میان سرمایه گذاران معامله می‌شود. بازار ثانویه،

۱- سرمایه گذاری فیزیکی عبارت است از اجرای پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی که منجر به ایجاد دارایی فیزیکی ملموس شود. در مقابل آن سرمایه گذاری مالی قرار دارد که به معنای خرید اوراق بهادار است.

۲- اوراق بهادار از یک نظر به دو نوع اوراق بهادار معامله‌پذیر در بازار و اوراق بهادار معامله‌ناپذیر در بازار تقسیم می شود. اوراق بهادار معامله‌ناپذیر در بازار، اوراقی است که نمی‌توان آنها را در بازار خرید و فروش کرد مانند: دفتر چه حساب سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلند مدت.

www.noormags.ir

سرمایه گذاران را مطمئن می‌سازد که می‌توانند اوراق بهادار خود را به آسانی به فروش برسانند و به بیان دیگر آنرا نقد کنند.

در بورس اوراق بهادار (به عنوان بازار ثانویه منسجم[1]) کارگزاران با توجه به سفارش خریدار و فروشنده، معامله را انجام می‌دهند[2]. بازار منسجم (organized exchange) بورس می تواند نقدینگی اوراق بهادار را تأمین نماید. (جهان‌خانی ۱۳۷، ص ۱۸).

از آن‌جا که تجهیز منابع در بخش سرمایه ای از راه انتشار اوراق بهادار صورت می‌گیرد، از این‌رو باید دقت لازم در انتخاب نوع ورقهٔ بهادار و طراحی اوراق بهادار به‌عمل آید. از میان انواع اوراق بهادار موجود، می‌توان از اوراق بهادار با درآمد متغیر استفاده نمود و بانک سرمایه گذاری، عرضه کنندهٔ اولیه اوراق بهادار شرکتهای سرمایه گذاری به بازار است. اوراق بهادار با درآمد متغیر، اوراقی است که سرمایه گذار از میزان درآمد آنها اطلاع دقیقی ندارد. هر یک از شرکت‌های سرمایه گذاری متناسب با نوع فعالیت خود، اوراق بهادار متناسب با رشتهٔ فعالیت خود را منتشر می‌نمایند. نهادهای بخش سرمایه گذاری در مقیاس متوسط عبارتند از:

بانک سرمایه گذاری: به عنوان بازار اولیه انتشار اوراق بهادار شرکت‌های سرمایه گذاری. شرکت‌های سرمایه گذاری (سهامی عام)؛ بورس اوراق بهادار: به‌عنوان بازار ثانویه برای خرید و فروش اوراق بهادار؛ صندوق‌های مشترک سرمایه گذاری در اوراق بهادار؛ بانک مرکزی به‌عنوان ناظر و سیاستگذار.

۵-۵-۱- بانک‌های سرمایه گذاری

مهمترین وظیفهٔ این بانک‌ها توزیع اوراق بهادار و پذیره نویسی آن است. بانک سرمایه گذاری، اوراق بهادار شرکت‌های سرمایه گذاری را به فروش می‌رساند و منابع مالی برای شرکتها فراهم می‌کند. بنابراین، بانک سرمایه گذاری به عنوان عرضه کننده اولیه اوراق بهادار به بازار است. در مواردی هم امکان دارد که بانک سرمایه گذاری، سهام شرکتی را به قیمتی بخرد و به قیمت دیگری به مردم عرضه کند که در چنین موردی مبلغی بابت کمیسیون نخواهد گرفت. اعلامیه پذیره نویسی را بانک سرمایه گذاری که عرضه اوراق بهادار منتشر شده را بر عهده می‌گیرد، تهیه می‌کند که در برگیرنده تمام اطلاعات مربوط به شرکت انتشار دهنده اوراق بهادار است.

۱ــ به بازار خارج از بورس، بازار ثانویه نامنسجم گفته می‌شود. (over – the – counter Market)

۲ــ در بورسهای بزرگ جهان افزون بر کارگزاران دو گروه دیگر نیز می توانند اوراق بهادار به نام خود معامله کنند. این دو گروه به نام معامله گران (dealers) یا (traders) و متخصصان (specialists) نامیده می‌شوند.

www.noormags.ir

مهمترین اطلاعات منتشر شده عبارتند از: هدفهای شرکت؛ تعداد اوراق بهادار (سهام، اوراق مشارکت)؛ شیوه‌های سرمایه گذاری (یا خرج کردن سرمایه‌ای که از راه فروش این اوراق بهادار به دست می‌آید)، اقدامات پیشگیری و یا اصلاحی، در صورتی که امور طبق برنامه پیش نرود؛ نام شهری که شرکت در آن‌جا تأسیس شده و محل استقرار دفتر مرکزی شرکت؛ نام اعضای مؤسس و هیأت مدیره شرکت؛ نوع و میزان محصولاتی که شرکت تولید می‌کند؛ وضعیت طرح‌های سرمایه گذاری اجرا شده یا در برنامهٔ اجرای شرکت؛ میزان و نوع اوراق بهاداری که شرکت منتشر کرده و یا قصد دارد در آینده منتشر نماید؛ میزان بدهی که شرکت دارد؛ هدف از عرضهٔ این اوراق بهادار؛ برآورد خالص پولی که از راه انتشار این اوراق بهادار به دست خواهد آمد.

به طور خلاصه وظیفهٔ بانک سرمایه گذاری را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

«فعالیت واسطه‌گری به منظور فروش اسناد و اوراق بهادار جدید که توسط شرکتهای سرمایه گذاری و صندوقهای مشترک سرمایه گذاری در اوراق بهادار منتشر می شود.» اصولاً به جریان اندازی اوراق بهادار جدید فرآیندی پیچیده است و ناشران اوراق به مشاوره کارشناسی بانک های سرمایه گذاری نیاز مبرم دارند.

در این راستا، بانک سرمایه گذاری، اولاً، راهنمایی لازم را، در زمینهٔ نوع و ویژگیهای خاص اوراق بهادار مطابق با شرایط جاری بازار مالی به ناشر ارائه می‌نماید. ثانیاً، در تهیه و تکمیل فرم‌های اولیه موجود در این زمینه که مورد نیاز مقامات مسؤول است، اقدامات لازم را به عمل می‌آورد. ثالثاً، نحوه توزیع کارای اوراق بهادار را سازماندهی می کند. رابعاً، سایر اقدامات عملیاتی از جهت طراحی و چاپ سند قرارداد و ... را به انجام می‌رساند. بنابراین، اسناد بهادار یاد شده، برای این‌که هم نیازهای ناشر را تأمین کنند و هم، به طور همزمان برای ارائه به سرمایه گذاران قابل قبول باشند، تا حدود زیادی به تخصص کارشناسان بانک سرمایه گذاری وابسته‌اند.

با بستن قرارداد میان بانک سرمایه گذاری و شرکت انتشار دهنده اوراق بهادار قرارداد تعهد فروش (Underwriting Agreement) اطلاعات مورد نیاز به طور خلاصه قید می گردد. همچنین تاریخی را که فروشندگان می‌توانند اوراق بهادار را به فروش برسانند تاریخ موثر (Effective date) مشخص می‌شود و به هر مشتری باید یک برگ اعلامیه پذیره نویسی که حاوی کلیه اطلاعات لازم است داده شود.

۵-۵-۲- شرکت های سرمایه گذاری (Investment Companies)

شرکت‌های سرمایه گذاری، منابع خود را از راه انتشار اوراق بهادار به‌دست می‌آورند.

www.noormags.ir

شرکت‌های سرمایه گذاری در بخش واقعی اقتصاد اقدام به سرمایه گذاری فیزیکی می‌نمایند. این شرکت‌ها در سرمایه گذاری عاملیت دارند.

وظایف شرکت‌های سرمایه گذاری: شرکت‌های سرمایه گذاری به تأمین مالی پروژه‌های سرمایه گذاری پرداخته و باعث رشد سرمایه گذاری در بخش واقعی اقتصاد می‌شوند. وظیفهٔ اصلی شرکت‌های تخصصی سرمایه گذاری، تهیه سرمایه و اجرای طرح‌های سرمایه گذاری است. در الگوی پیشنهادی، این شرکت‌ها نمی‌توانند هیچ‌گونه وام و تسهیلاتی را به افراد و مؤسسات بپردازند. شرکت‌های سرمایه گذاری به‌صورت شرکت سهامی عام طبق قوانین کشور فعالیت می‌کنند. این شرکت‌ها در واقع به‌صورت سرمایه گذاران نهادی (Institutional Investors) عمل می‌کنند.

انواع شرکت‌های سرمایه‌گذاری: شرکت‌های سرمایه گذاری در الگوی پیشنهادی بر حسب فعالیت‌های عمدهٔ اقتصادی، متعدد هستند. انواع شرکت‌های سرمایه‌گذاری عبارتند از: الف_ شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی. ب_ شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بخش بازرگانی (داخلی و خارجی). ج_ شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بخش خدمات (مولد). د_ شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان. ه_ شرکت‌های سرمایه‌گذازی در بخش معادن و فلزات. و_ شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت.

۵-۵-۳- بورس اوراق بهادار

بورس اوراق بهادار، بازار ثانویه برای اوراق سهام و اوراق مشارکت شرکت‌های سرمایه‌گذاری است. بورس اوراق بهادار در الگوی پیشنهادی وظایف زیر را انجام می‌دهد:

دارندگان وجوه مازاد که تمایل به سرمایه گذاری دارند، از راه مکانیزم بورس قادر به سرمایه گذاری می‌شوند. صاحبان اوراق بهادار می‌توانند از راه فروش اوراق خود نقدینگی به‌دست آورند. به شرکت‌های تولیدی اجازه می‌دهد، تأمین مالی خارجی خود را افزایش دهند و از راه آن خطوط تولیدی خود را گسترش دهند. خرید و فروش اوراق بهادار توسط شرکت‌های منتشر کننده اوراق بهادار باعث می‌شود تا از نوسانات قیمت اوراق بهادار در کوتاه مدت جلوگیری شود. از آن‌جا که عملکرد بنگاه‌های اقتصادی در قیمت‌های سهام و درآمد اوراق بهادارشان منعکس می‌گردد، بازار اوراق بهادار می‌تواند سرمایه گذاری‌ها را به سمت سودآورترین و کاراترین موارد هدایت نماید. (متوالی، ۱۹۸۴، ص ۲۴)

اوراق بهادار منتشر شده توسط شرکت‌های سرمایه گذاری به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: اوراق سهام و اوراق مشارکت در سود و زیان (PLS).

تفاوت این دو نوع اوراق بهادار این است که خریدار اوراق سهام با خرید سهم در

www.noormags.ir

واقع سهم الشرکه خریداری می‌کند و مالک بخشی از دارایی شرکت می‌شود. اگر یک شرکت سرمایه گذاری بخواهد بخشی از دارایی خود را به دیگران واگذار کند، اقدام به انتشار اوراق سهام می‌کند. اما اگر شرکت سرمایه گذاری تمایل به واگذاری و فروش دارایی خود نداشته باشد و بخواهد آن‌را برای خود نگهدارد، اما بخواهد در کوتاه یا میان مدت کمبود منابع مالی خود را تأمین کند و صاحب منابع مالی را در سود و زیان فعالیت خود شریک کند، آنگاه اقدام به انتشار اوراق مشارکت در سود و زیان می‌کند.

اوراق مشارکت و سهام منتشر شده توسط شرکت‌های سرمایه گذاری در الگوی پیشنهادی نیز به دو دستهٔ عام و خاص تقسیم می‌شود. بنابراین، چهار نوع اوراق بهادار جهت تأمین مالی در الگوی پیشنهادی خواهیم داشت که عبارتند از: اوراق سهام عام شرکت سرمایه گذاری؛ اوراق سهام یک پروژهٔ خاص؛ اوراق مشارکت عام شرکت سرمایه گذاری؛ اوراق مشارکت یک پروژه خاص.

اوراق سهام عام: اوراق سهامی است که یک شرکت سرمایه گذاری منتشر می‌کند تا آنرا در فعالیت‌هایی که بر اساس عقود مشارکتی مربوط به بخش خود است بکارگیرد. خریداران اوراق سهام عام شرکت سرمایه گذاری در سرمایه شرکت سهیم خواهند شد.

اوراق سهام خاص: اوراق سهامی است که برای یک پروژه خاص منتشر می‌شود. خریداران این نوع سهام، تنها مالک بخشی از دارایی طرح جدیداً تأسیس شده می‌شوند.

اوراق مشارکت عام: اوراق مشارکتی است که سرمایه گذار با خرید آن، مالک بخشی از دارایی شرکت سرمایه گذاری نمی‌شود، بلکه تنها در سود و زیان فعالیت‌های شرکت سرمایه گذاری بر اساس درصد توافق شده شریک می‌شود.

اوراق مشارکت خاص: اوراق مشارکتی است که سرمایه گذار با خرید آن در سود و زیان یک پروژه خاص براساس درصد توافق شده شریک می شود.

۵-۵-۴- صندوق‌های مشترک سرمایه گذاری (Mutual Fund) در اوراق بهادار

این صندوق‌ها در خرید و فروش اوراق بهادار سرمایه گذاری می‌نمایند. سهام صندوق‌های مشترک سرمایه گذاری، برعکس شرکت‌های سرمایه گذاری، در بورس اوراق بهادار معامله نمی‌شوند. وجوهی که از محل فروش سهام عادی به‌دست می‌آید، مستقیماً در اوراق بهادار شرکت‌های دیگر سرمایه گذاری می‌شود. این صندوقهای سرمایه گذاری، بسیاری از مشکلات سرمایه گذاران را از راه انجام تحقیقات مالی، مدیریت تخصصی پرتفوی و تعیین زمان مناسب خرید و فروش، حل می‌کنند. اگر قیمت اوراق بهاداری که صندوق در آنها سرمایه گذاری کرده است، افزایش یابد، آنگاه

www.noormags.ir

ارزش سهام این صندوق به همین نسبت افزایش خواهد یافت و همهٔ سهامداران یا مالکان شرکت در سود یا ضرر صندوق به‌طور مشترک سهیم هستند. شرکت‌های سرمایه گذاری، بورس اوراق بهادار و صندوق‌های مشترک سرمایه گذاری در اوراق بهادار، مکمل بانک پیشنهادی هستند.

۵-۵- ۵- نقش بانک مرکزی

بانک مرکزی، ارگان ناظر و سیاست‌گذار در تمامی بخش مالی اقتصاد است. مهمترین وظایف بانک مرکزی در الگوی پیشنهادی عبارتند از: الف_ تعیین و تغییر سقف‌های تأمین مالی سرمایه گذاری در مقیاس کوچک: تعیین و تغییر حد مجاز تأمین مالی در هر رشته از عقود معاملات، وظیفهٔ بانک مرکزی است که می تواند با تغییر این سقف‌ها، بر توزیع منابع مالی در تأمین مالی معاملات اثر بگذارد. از سوی دیگر بانک مرکزی می‌تواند بر نرخ‌های اجاره و مرابحه و تنزیل بدهی نظارت داشته باشد که مطابق بازدهی بخش واقعی اقتصاد باشد. ب_ تعیین نرخ کارمزد خدمات بانک سرمایه گذاری که از شرکتهای سرمایه گذاری اخذ می‌کند. ج_ بانک مرکزی از راه یک صندوق سرمایه گذاری مشترک که مرتبط با سازمان بورس اوراق بهادار است، در مواردی که لازم بداند می‌تواند با خرید یا فروش سهام یا اوراق مشارکت بخش عمومی و دولتی بر روند تأمین مالی و نقدینگی تأثیر گذارد و عملیات بازار باز در بخش سرمایه ای را بدین طریق انجام دهد. د_ سیاست‌گذاری بانک مرکزی در بخش پول از راه کاهش و افزایش حجم پول در گردش با ابزارهای ذخیره قانونی، سپرده‌های دیداری و ذخیرهٔ احتیاطی سپرده‌های قرض الحسنه، سقف وام و توصیه‌های اخلاقی است. ه_ تعیین سقف انتشار اوراق بهادار در هر بخش و رشته‌های فعالیت اقتصادی شرکت‌های سرمایه گذاری، ابزار دیگر سیاست‌گذاری بانک مرکزی است.

۵-۶- ارتباط میان دو نوع مؤسسهٔ مالی

دو مؤسسه یعنی بانک‌ها برای واسطه‌گری و شرکتهای سرمایه گذاری برای عاملیت در بخش واقعی اقتصاد، به صورت مکمل یکدیگر عمل می‌کنند. بانک‌ها می‌توانند منابع مالی مازاد خود را از راه اوراق بهادار در اختیار شرکت‌های سرمایه گذاری قرار دهند و در سود حاصل از سرمایه گذاری شریک شوند. به بیان دیگر از عقد مشارکت استفاده نمایند. سود حاصله به بانک‌ها تعلق می‌گیرد که صرف اعطای جایزه به سپرده‌های قرض الحسنه و اعطای قرض الحسنه و ارائهٔ خدمات بانکی ارزان، گسترده و جدید می‌شود. صاحبان سپرده‌ها برای خدمات مالی و قرض به بانک مراجعه می‌کنند و قصد انتفاع

www.noormags.ir

ندارند. آنان‌که قصد انتفاع دارند، به مؤسسات تأمین مالی و شرکت‌های سرمایه گذاری مراجعه می‌کنند. از سوی دیگر شرکت‌های سرمایه گذاری منابع مالی خود را در شبکه بانکی نگهداری می‌کنند.

۶- نتیجه گیری

نظام مالی پیشنهادی از هر دو نوع رابطه حقوقی دائن و مدیون و مشارکت استفاده می کند. بنابراین از این جهت با نظام مالی فعلی مشترک است که از هر دو نوع رابطه حقوقی استفاده می‌کند. اما با این تفاوت که رابطه دائن و مدیون تنها برای قرض الحسنه مجاز شمرده شده و رابطه مشارکت برای سرمایه گذاری است. رابطه دائن و مدیون مختص بخش پول است و در کانال‌های حقوقی مختلف در بخش پول از آن بهره جسته می‌شود. یکی برای قرض الحسنه که وام بدون بهره است و دیگری برای حساب جاری. رابطه مشارکت مختص بخش سرمایه‌ای است و در دو موضع مختلف از آن استفاده می‌شود، یکی سهیم شدن در دارایی شرکت و دیگری مشارکت در سود و زیان.

نظام مالی پیشنهادی یک نظام مالی مختلط از پایه بانکی و پایه اوراق بهادار است. برخلاف نظام مالی موجود که سهم اصلی و مسلط با پایه بانکی است.

ویژگی مهم نظام مالی پیشنهادی جدانمودن امور واسطه‌گری مالی از امور عاملیت است و به بیان دیگر جداکردن بخش پولی از بخش سرمایه‌ای است. در بخش سرمایه-ای، ارگانهای سیاست گذار، دولتی هستند، ولی مؤسسات زیر پوشش، خصوصی هستند. تخصص و تقسیم کار در الگوی پیشنهادی رعایت شده است. در این الگو بانک‌ها به توسعهٔ خدمات بانکی خود اقدام می‌نمایند. با جداکردن بخش سرمایه ای از نظام بانکی و تخصصی شدن شرکت‌های سرمایه گذاری، بخش مالی تابع نیازهای بخش واقعی می-شود. در حالی‌که در نظام مالی کنونی به‌دلیل اختلاط دو بخش پولی و سرمایه‌ای و حتی پولی شدن سرمایه گذاری، بخش واقعی با عملیات بخش مالی به تحرک واداشته می‌شود یا متوقف و راکد می‌گردد. مسلط بودن بخش مالی بر بخش واقعی یکی از مشکلات اقتصاد معاصر است.

در نظام مالی کنونی کشور، بخش اعظم وظایف بخش مالی برعهده نظام بانکی است. در حالی‌که در نظام مالی پیشنهادی، وظایف بخش مالی میان مؤسسات مختلف توزیع شده است. بنابراین الگوی پیشنهادی بر الگوی فعلی دو مزیت دارد. اول، این‌که بار اضافی نظام بانکی را کاهش می‌دهد و آن‌را به مؤسسات مربوطه می‌سپارد. دوم، این-

www.noormags.ir

که مؤسسات مالی جدیدی معرفی می‌کند که برای کارکرد سالم نظام مالی ضروری است.

در نظام پیشنهادی بانک مرکزی بالاترین ارگان ناظر، سیاست‌گذار و هدایت کننده بخش مالی است و از طریق چند شورای عالی بر بخشهای مختلف زیر پوشش نظارت می‌کند. این شوراها عبارتند از: شورای پول و اعتبار (برای نظام بانکی) و شورای اوراق بهادار (برای بخش سرمایه‌ای). در الگوی پیشنهادی، بهره از نظام بانکی حذف می‌شود و "با کوچک" و "تخصصی شدن" نهادهای مالی، عدم تقارن اطلاعات کاهش می‌یابد و امکان نظارت و بازرسی در مؤسسات تأمین مالی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر به‌دلیل عاملیت شرکت‌های سرمایه گذاری، سرمایه گذاری مستقیم افزایش می‌یابد و توسعه اقتصادی کشور شتاب پیدا می‌کند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

www.noormags.ir

منابع: الف_ فارسی

۱_ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، "**گزارش اقتصادی و ترازنامه**"، سال‌های ۱۳۶۳ – ۱۳۷۹.

۲_ جهانخانی، علی و علی پارسائیان، "***بورس اوراق بهادار***"، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

۳_ جهانخانی،علی،"**تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بهادار در بازارهای مالی**"، ماهنامه‌حسابدار،شماره ۱۱۱.

۴_ خاوری، محمود رضا، "***حقوق بانکی***"، انتشارات مرکزآموزش‌بانکداری،بانک مرکزی‌جمهوری‌اسلامی‌ایران،پائیز ۱۳۶۹.

۵_ کاشانی، سید محمود، "**بررسی حقوقی قراردادهای مربوط به تسهیلات اعطایی بانکی قانون عملیات بانکی بدون ربا**، مجموعه‌مقالات نهمین‌سمینار بانکداری اسلامی،انتشارات‌مؤسسه‌عالی بانکداری‌ایران، ۱۳۷۷.

۶_ مصباحی، غلامرضا،"**مجموعه مقالات سومین‌سمینار‌بانکداری اسلامی**"،مؤسسه‌عالی‌بانکداری‌ایران،شهریور ۱۳۷۱.

۷_ مهدوی نجم آبادی، "**بانکداری اسلامی نمونه**"، مجموعه مقالات ششمین سمینار بانکداری اسلامی، انتشارات مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۴.

۸_ موسایی، میثم، "***بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران***"، مؤسسه‌تحقیقات پولی و بانکی، پائیز ۱۳۷۹.

۹_ موسویان، سید عباس، "**انواع بانک‌های بدون ربا**"، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۲.

۱۰_ موسویان، سید عباس، "**ساختار مطلوب بانکداری بدون بهره و تاثیر آن در کارایی نظام بانکی**"، مجموعه مقالات دهمین سمینار بانکداری اسلامی، انتشارات مؤسسه عالی بانکداری ایران، شهریور ۱۳۷۸.

۱۱_ موسویان، سید عباس، "***عقود با بازدهی ثابت، عامل اصلی مشکلات بانکداری بدون ربا***"، مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، انتشارات مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۶.

۱۲_ موسویان، سید عباس، "**مصادیق پنهان و آشکار ربا در نظام بانکی ایران**"، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۱.

۱۳_ میرجلیلی، سید حسین و همکاران، "***بررسی و ارزیابی بانکداری بدون ربا در ایران***"، انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴.

۱۴_ میرجلیلی، سید حسین، "**روند تکوین و تحول بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران**"، فصلنامه روند، سال چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۷۲.

۱۵_ میرجلیلی، سید حسین، "***عدم تقارن اطلاعات و نظارت در بانکداری ایران***"، چهاردهمین همایش بانکداری اسلامی، شهریو ۱۳۸۲.

۱۶_ میرجلیلی، سید حسین، "**مسایل بانکداری بدون بهره در تجربه ایران**"، فصلنامه پژوهشها و سیاست‌های اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، تابستان ۱۳۸۱.

۱۷_ والی نژاد، مرتضی، "***مجموعه قوانین و مقررات بانکی***"، انتشارات مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.

ب_ انگلیسی

18_ Anwar, Muhammad, **"Reorganization of Islamic banking: A new proposal"**, The American Journal of Islamic social sciences, vol. 4, No.2, 1987.

19_ Bossone, Biagio, **"What makes banks special? A study on banking, finance and economic development"**, The world Bank, 2001.

20_Chapra, M. Umer,**"Towards a Just monetary system"**,The Islamic Foundation, London,1986.

21_ Dar, Humayon A. and Johan R. Presley, **"lack of profit loss sharing in Islamic banking: Management and control imbalances"**, Economic research paper, loughborough University, 2001.

22_ Metwally, Mokhtar, M., **"The role of the stock Exchage in an Islamic Economy"**, Journal of Research in Islamic Economics, vol. 2, No.1,1984.

23_ Struthers and H. speight, **"Money; institutions, theory and policy"**, Long man, u.k,1986.

www.noormags.ir